

تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب

محمد فاضلی^۱ * محدثه جلیلی کناری^۲

چکیده

هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر فساد در بین کشورهای جهان با استفاده از روش تحلیل ثانویه است. بدین منظور، پس از خوشه‌بندی کشورها به کشورهای فاسد و پاک، ۴ دسته عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عوامل فرایندی در ۱۷۹ کشور جهان مورد آزمون قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: مهم‌ترین تفاوت کشورهای فاسد و غیرفاسد در فقدان شاخص حکمرانی خوب قابل توجه است. در جوامعی که درصد جمعیت مذهبی بیشتر است، میزان فساد کمتر است. متغیرهای عوامل فرایندی، در تبیین فساد بیشترین ضریب بتا را نسبت به سه عامل دیگر به دست آوردند و عوامل فرهنگی کمترین ضریب بتا را در بین این عوامل به خود اختصاص داده‌اند. عوامل مؤثر بر فساد، عوامل سیاسی و بعد از آن، عوامل فرایندی در افزایش رتبه پاک‌ترین کشورها مهم‌تر از عوامل اقتصادی و مذهب است.

واژگان کلیدی: فساد، حکمرانی خوب، عوامل فرایندی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال دوم • شماره پنجم • زمستان ۱۳۹۱ • صص ۴۰-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۱۳

۱. دکترای جامعه‌شناسی (fazeli114@yahoo.com).
۲. کارشناس ارشد پژوهشگری دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول (mohadesehjalili@yahoo.com).

مقدمه

هیچ منطقه یا کشوری در جهان مصون از خسارت فساد نیست. در اندازه گیری فساد کشورها در سال ۲۰۱۱ توسط سازمان شفافیت بین‌المللی، اکثریت کشورها نمره زیر پنج در مقیاس صفر (بسیار فاسد) تا ده (بسیار سالم) را دارند (Transparency International, 2011). در گزارش سال ۲۰۱۱ سازمان شفافیت بین‌المللی آمده است: حدود نیمی از پاسخگویان (پیمایش بر روی ۲۱ هزار نفر در ۲۰ کشور اجرا شد) اظهار داشته‌اند که در سال گذشته رشوه داده‌اند. این آمارها اهمیت مقوله فساد در جهان را نشان می‌دهد. اندازه گیری سازمان شفافیت بین‌المللی از میزان فساد ۱۸۳ کشور در سال ۲۰۱۱، نشان‌دهنده ناکامی عمومی است، چراکه فساد بر کیفیت حکومت، اعتماد تعمیم یافته، حمایت عمومی، رشد اقتصادی و رضایت و در نهایت بر ثبات بیشتر دموکراسی تأثیر گذار است. با وجود این واقعیت‌ها، در این زمینه ادبیات کمی موجود است (Bauhr & Oscarsson, 2011). فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد و فقر، توسعه انسانی و برآورد سلامت و به‌طور کلی کیفیت حکومت اثرات منفی دارد و از طریق تضعیف زیرساخت‌های عمومی و خدمات اجتماعی و نیز کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش آهنگ رشد اقتصادی می‌گردد. درک فساد، اثر منفی بر اعتماد به نهادهای سیاسی دارد، در حالی که تجربه فساد، اعتماد عمومی به نهادهای ملی را کاهش می‌دهد. فساد فقدان اعتماد را تقویت می‌کند و فقدان اعتماد، تلاش حکومت در بسیج جامعه در مبارزه با فساد را بی‌اثر می‌کند و وعده مبارزه با فساد دولت به مردم را بی‌اعتبار می‌سازد. علیت قوی متقابلی بین ادراک فساد و اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد (Morris & Klesner, 2010).

هنگامی که اثرات منفی فساد را نظر می‌گیریم، یک سؤال پژوهشی واضح مطرح می‌شود: چه چیزی سبب رواج فساد در برخی از کشورها شده است، در حالی که

1 . <http://www.transparency.org/cpi2011/results>.

کشورهای دیگر موفق به جلوگیری از فساد کشور می‌شوند؟ تحقیقات نشان می‌دهد: فساد زیان‌بخش است اما سازوکارهای دقیق تأثیرگذاری آن مشخص نشده است (اکرم‌ن، ۱۳۸۵: ۹). با این حال، در حالی که تئوری‌های تعیین‌کننده فساد بسیارند و ادبیات نظری در مورد این مطلب فراوان است، مطالعات تجربی در این خصوص نسبتاً کم است (Lederman, 2004). طی دهه گذشته تئوری‌های تبیین‌کننده فساد توسعه عظیمی داشتند (همان: ۴). تجزیه و تحلیل تجربی علل بروز فساد در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ پدید آمده است، اما ادبیات تجربی در این خصوص با نمونه‌های بزرگ در مراحل اولیه خود است. مطالعات تجربی نمونه‌های بزرگ اواسط دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. تا اواسط دهه ۱۹۹۰ موضوع فساد در علوم اجتماعی چندان مورد توجه نبود، که یکی از دلایل آن، اعتقاد به تأثیر فساد در توسعه اقتصادی بوده است. اما دلیل اصلی آن، انتشار داده‌هایی در خصوص فساد توسط سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۱۹۹۶ و بعد از آن بانک جهانی است (Rothstein & Teorell, 2012). بنابراین، از این زمان به بعد نهادهای بین‌المللی در راستای کاهش فساد کشورهای عضو، اقداماتی را آغاز کردند. از نظر سازمان ملل، اقدامات ضد فساد بخشی از چارچوب حکمرانی خوب است (United Nations, 2007: 2). از نظر صندوق بین‌المللی پول، در حکومت بد، انگیزه و فضای بیشتری جهت تشویق فساد وجود دارد. از این رو صندوق بین‌المللی پول، در مبارزه با فساد، ترویج حکمرانی خوب را مهم می‌داند (IMF, 2005). حکمرانی خوب شامل عدم وجود شیوه‌هایی نظیر قوم‌پرستی، حامی‌پروری، تبعیض و رشوه است که در ارتباط با فساد بوده و ذیل مفهوم فساد مورد بحث قرار می‌گیرند (United Nations, 2004: 10). فساد حکومت بد را از طریق فقدان حاکمیت قانون، عدم احترام به حقوق بشر، پاسخگو نبودن و فقدان شفافیت تقویت می‌کند و به ضعف ساختار و نهادهای حیاتی برای حکمرانی بهتر منجر می‌شود (Kargbo, 2006).

۱. حکمرانی خوب و فساد

در حکمرانی خوب، فساد در حداقل میزان خود است؛ دیدگاه حداقل‌ها به حساب آورده می‌شود و صدای اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها شنیده می‌شود. حکمرانی خوب پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه است. اخیراً اصطلاح «حکومت» و «حکمرانی

خوب» به طور فزاینده در ادبیات توسعه استفاده می شود. حکومت بد به طور فزاینده به عنوان یکی از علل ریشه‌ای همه مضمرات در جوامع در نظر گرفته می شود. مؤسسات مالی و اهداکنندگان عمده بین‌المللی، کمک و وام خود را در شرایطی که اطمینان حاصل شود اصلاحات در «حاکمیت خوب» انجام می شود، اهدا می کنند.

صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۹۶ اعلام کرد: رسیدن به حکمرانی خوب منوط به مبارزه با فساد، حاکمیت قانون، بهبود کارایی و پاسخگویی بخش دولتی است (IMF, 2005). در سال ۱۹۸۹ در گزارش جنوب صحرا آفریقا، حکومت به ترتیبات نهادی دولت، فرایند تدوین، تصمیم‌گیری و اجرای سیاست، جریان اطلاعات در درون دولت و رابطه کلی دولت و شهروندان تعریف شد (Woods, 2000: 2). پس از آن، این درک از حکومت توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گسترش یافت و به عنوان استانداردهای قانونی در کشورهای عضو استفاده می شود. برای صندوق بین‌المللی پول، حکومت خوب در تمام مراحل توسعه برای کشورها مهم بوده است. در هر دو نهاد مالی بین‌المللی، حکمرانی خوب شامل شفافیت، پاسخگویی، کارایی، عدالت، مشارکت و مالکیت است. این شاخص‌ها به اهداف وسیعی برای بهبود پاسخگویی سیاسی، مشارکت، حاکمیت مؤثر قانون، شفافیت و جریان اطلاعات بین دولت و شهروندان، برمی گردد. در حکمرانی خوب، دولتی پاسخگو و فعال است که از اعتماد و حمایت اعضایش بهره ببرد.

کافمن و همکارانش (Kaufmann et al, 2004) از سال ۱۹۹۹ به این سو، روشی برای اندازه‌گیری «حکمرانی خوب» ارائه کرده‌اند. در اولین نسخه منتشر شده از کار این محققان، سه متغیر حاکمیت قانون، کارآمدی دولت و کنترل فساد به عنوان شاخص‌هایی از حکمروایی خوب اندازه‌گیری شدند. در گزارش سال ۲۰۰۷ بیش از ۳۵۰ شاخص اندازه‌گیری شده در کشورهای تحت بررسی بر اساس استخراج آنها از ۳۳ منبع اطلاعاتی به کار گرفته شدند تا ۶ بعد حکمرانی خوب اندازه‌گیری شود. این ابعاد عبارتند از:

۱. پاسخگویی: بررسی مشارکت شهروندان در انتخاب حکومت و وجود آزادی تشکل، آزادی بیان و آزادی رسانه.
۲. بی‌ثباتی و خشونت سیاسی: احتمال بی‌ثباتی حکومت و سقوط آن از طریق انقلاب، کودتا و تروریسم.

1. Ibid

تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب ۱۱

۳. کارایی حکومت: کیفیت خدمات دولتی، کیفیت خدمات اجتماعی و استقلال آنها از فشارهای سیاسی.

۴. کیفیت مقررات تنظیمی: مقررات و قوانین تنظیم شده چه سطحی از کیفیت و کارایی را دارا هستند.

۵. حاکمیت قانون: مردم تا چه اندازه قانون و نه اعمال نفوذ و قدرت را در انجام امور مؤثر می‌دانند.

۶. کنترل فساد: اندازه‌گیری میزان استفاده از مقام دولتی برای منافع شخصی، از جمله فساد خرد و کلان.

این موارد را شاخص‌های جهانی حکمرانی نامیده‌اند. نمره هر کشور در هر یک از ابعاد شش‌گانه این شاخص از $2/5+$ تا $2/5-$ است. کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل، هشت شاخص عمده برای حکمرانی خوب معرفی کرده است: مشارکت، اجماع، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت، کارایی و اثربخشی، عدالت و مشمولیت، حکومت قانون. کمیسیون خدمات عمومی، شاخص‌های اساسی حکمرانی خوب را اخلاق حرفه‌ای، کارایی و اثربخشی، توسعه مشارکتی، بی‌طرفی و انصاف، شفافیت و پاسخگویی و مدیریت منابع انسانی و توسعه معرفی کرده است (Cloete, 2005: 2).

همچنین باید در نظر داشت که در واقع مفهوم حکمرانی خوب در تعریف بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ شامل همه موارد آزادسازی اقتصادی و ایجاد بازار عادلانه، شفافیت و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی، لیبرالیسم سیاسی، به‌ویژه اصلاحات دموکراتیک، حاکمیت قانون و از بین بردن فساد، ترویج جامعه مدنی، تضمین حقوق بنیادی بشر، به‌ویژه احترام به حقوق سیاسی مانند آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی از حبس‌های خودسرانه، اقتباس سیاست‌های طراحی شده برای حفاظت از منافع درازمدت جهانی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و محیط زیست است.

امروزه در کنار بحث حکمرانی خوب، بحث کیفیت حکومت نیز مطرح است. در کیفیت حکومت، صحبت از قابلیت اعتماد، بی‌طرفی، فقدان فساد، شایستگی و عقلانیت در نهادهای حکومتی است. اثربخشی و پایداری دولت در رشد اقتصادی، حفاظت از محیط زیست، رفاه اجتماعی، پژوهش و آموزش، همه به وجود نهادهای دولتی با کیفیت بالا وابسته‌اند، چراکه حمایت‌های گسترده عمومی از سیاست‌ها، از درک شهروندان از کیفیت

فعالیت اجرایی نهادهای مسئول حاصل می‌شود (3: Rothstein & Holmberg, 2006). اثربخشی دولت یکی از شاخص‌هایی است که بیشترین رابطه را با کیفیت حکومت دارد. همچنین، عدم شفافیت، عدم پاسخگویی و فساد از مشکلات کیفیت حکومت است (4: Ibid).

بانک جهانی^۲ در تعریف حکومت و تعیین شاخص‌های آن، کار کافمن را الگو قرار داده است. به گفته کافمن، مدیر اداره امور جهانی بانک جهانی، این شاخص‌ها برای ارزیابی و شناسایی نقاط ضعف کشورها و ظرفیت‌سازی و استراتژی‌های مؤثرتر حمایت استفاده می‌شوند. در این تعریف، کیفیت حکومت یکی از عوامل کلیدی است که تعیین می‌کند که آیا کشوری ظرفیت کاربرد منابع برای کاهش فقر را دارد، یا نه. اندازه‌گیری کیفیت حکومت در درک ارتباط بین حکومت و توسعه و نظارت بر عملکرد آنها دارای اهمیت است.

در ارزیابی اثرات واقعی کیفیت حکومت، توجه به حکمرانی خوب اهمیت دارد. سه شاخص کیفیت حکومت که به‌طور گسترده به کار می‌روند، در سطح ۹۰/۰ همبستگی دارند. این سه شاخص عبارتند از: شاخص اثربخشی حکومت بانک جهانی، حاکمیت قانون و شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل (137: Holmberg et al., 2009). هولمبرگ و ثمنی نیز کارایی، بی‌طرفی، حاکمیت قانون و فقدان فساد را کیفیت حکومت می‌دانند (2: Samanni & Holmberg, 2010).

رئستاین و تیرو نیز بی‌طرفی را مهم‌ترین شاخص کیفیت حکومت می‌دانند و بحث مفهومی کیفیت حکومت را مبتنی بر تئوری‌های سیاسی می‌دانند. آنها کیفیت حکومت را به بی‌طرفی نهادهای مقتدر حکومت^۳ تعریف کرده‌اند (165: Rothstein and Teorell, 2008). رئستاین در بحثی در همین خصوص در کتابش به این نتیجه می‌رسد که در کنار خروجی سیستم سیاسی، بی‌طرفی در اعمال یک مقام دولتی باید به‌عنوان کیفیت دولت محسوب شود (13: Rothstein, 2011). رئستاین بی‌طرفی را این‌گونه تعریف می‌کند: در هنگام اجرای قوانین و سیاست‌ها، مقامات دولت نباید در مورد شهروندان/پرونده‌ای، آنچه را که در سیاست یا قانون از قبل تصریح نشده، اعمال کنند (Ibid). از نظر وی، در اینجا روابط

1. Quality of governance

2. <http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/NEWS/0,,contentMDK:20119698~menuPK:34457~pagePK:34370~piPK:34424~theSitePK:4607,00.html>

3. Government authority

شخصی و دوست داشتنی‌های شخصی در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین وی در تعریف بی‌طرفی به عدالت توجه دارد و از قول گودین بیان می‌دارد: آنتی‌تزی‌عدالت، پارتی‌بازی و تبعیض است (Ibid). بنابراین، در همه تعاریف ارائه شده برای حکمرانی خوب، مسئله فساد جایگاه محوری دارد. ایده‌های روئستاین درباره کیفیت حکومت نیز به طور مستقیم با مسئله فساد مرتبط است. بی‌طرفی دستگاه حکومتی، فقدان تبعیض و پارتی‌بازی، شفافیت و... هر یک به نحوی با مسئله فساد مرتبط است.

۲. سایر متغیرهای مؤثر بر فساد

۲-۱. دموکراسی و تداوم آن

مطالعات مختلفی اثر دموکراسی بر کاهش فساد را نشان داده و بیانگر آن است که دموکراسی با فساد کمتر مرتبط است (Gerring & Thacker, 2004; Treisman, 2000; Lederman, 2004; Montina & Jackman, 2002; Stapenhurst & et al, 2006). در بین مطالعات انجام شده در خصوص اثر دموکراسی بر فساد، تعداد سال‌های دموکراتیک به جای درجه واقعی یا سطح دموکراسی امروزی حائز اهمیت است. تأثیر تعداد سال‌های دموکراتیک در کاهش فساد تا آنجا حائز اهمیت است که مانتینیا و جکمن معتقدند: دیکتاتوری‌ها نسبت به کشورهایی که تا اندازه‌ای دموکراتیک هستند، فساد پایین‌تری دارند (Montina & Jackman, 2002). گرینگ و تاکر نشان داده‌اند که تمایل به حکومت دموکراتیک در درازمدت منجر به سطوح پایین‌تر فساد سیاسی در سراسر جهان می‌شود (Gerring & Thacker, 2004). ترايسمن نیز نشان داد که رتبه جاری دموکراسی با فساد کمتر معنی‌دار نیست، اما قرار گرفتن در معرض دموکراسی طولانی پیش‌بینی‌کننده فساد کمتر است. برآورد رگرسیون ترايسمن نشان می‌دهد که دموکراسی در یک فرایند آرام، فساد را تخریب می‌کند. مطابق با تحلیل رگرسیون کار ترايسمن، در کشورهایی با ۴۰ سال دموکراسی بی‌وقفه، اثر دموکراسی بر کاهش فساد بیشتر از کشورهایی است که ۲۰-۳۰ سال تجربه دموکراسی بی‌وقفه دارند (Treisman, 2000: 439).

لدرمن نیز نشان داد که افزایش یک واحد در تعداد سال‌های حکومت دموکراسی، سطح بالای فساد را کاهش می‌دهد. نتایج رگرسیون او نشان می‌دهد: دموکراسی فساد را ۰/۷ درجه کاهش می‌دهد. همچنین، انتقال از دموکراسی پارلمانی به ریاست جمهوری

احتمال فساد را افزایش می‌دهد. نظام پارلمانی سیستم ریاست جمهوری فساد را در ۱۰/۸ درجه افزایش می‌دهد و هر ۲۰ سال دموکراسی بی‌وقفه فساد را ۰/۵ درجه کاهش می‌دهد (Lederman, 2004: 18).

سایه‌ها نیز نشان داده است که تعداد سال‌های دموکراسی نقش مهمی در کاهش فساد به جای سطح جاری دموکراسی ایفا می‌کند. مطابق با این تحقیق، دموکراسی‌های انتخاباتی به نمایندگی از «حقوق سیاسی» کنترل کافی علیه فساد ندارند، در مقابل، سطح فساد را در کشورهای در حال گذار، در مقایسه با رژیم‌های خودکامه تشدید می‌کنند. دموکراسی به اندازه کافی رشد کرده، به‌طور معنی‌داری مانع فساد است. نتایج رگرسیون غیرخطی در تحقیق مذکور، تأیید می‌کند که در مراحل اولیه اصلاحات دموکراتیک، دموکراتیزاسیون فساد را افزایش می‌دهد (Saha, 2008). اما مطالعه تجین و زاپ برخلاف مطالعه سایه‌ها، بیانگر آن است که دموکراسی حتی اگر از لحاظ سیاسی بی‌ثبات باشد، مقامات دولتی کمتر فاسدی نسبت به رژیم‌های اقتدارگرا^۱ دارد. مطابق با تحلیل آنها، سطح فساد در دموکراسی‌های ناپایدار نسبت به دیکتاتورهای پایدار کمتر است (Nur-tegin & Czap, 2012).

همچنین نتایج تحقیق پلگرینی و جرالانگ در خصوص اثر دموکراسی بر فساد در مقایسه با بسیاری از ادبیات که به‌طور خاص آزمون فرضیه دموکراسی داشته‌اند، متفاوت است. مطابق با تحقیق آنها، با حذف متغیر درآمد، متغیر دموکراسی بر سطح فساد تأثیر معنی‌داری ندارد، بنابراین ممکن است تأثیر غیرمستقیم دموکراسی از طریق درآمد بر فساد وجود داشته باشد. اما متغیر دموکراسی پایدار (که در آن هیچ کودتایی وجود ندارد و یا سایر وقفه‌های عمده‌ای از ماهیت دولت و کشور نهادهای دموکراتیک هم در انتخابات و هم در اداره قدرت دارد)، بر کاهش فساد تأثیر دارد. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که دموکراسی بی‌وقفه ۳۰ ساله در سطح ۹۵ درصد در کاهش فساد مؤثر است و کشورهایی که ۵۰ سال دموکراسی بی‌وقفه را تجربه کرده‌اند، در سطح ۹۹ درصد در کاهش فساد مؤثرند. یافته‌های این تحقیق، موقعیتی میانی ارائه کرده است که سطوح معاصر دموکراسی

۱. لدرمن در این تحقیق برای سنجش فساد به عنوان متغیر وابسته از ۶ منبع مختلف استفاده کرده است و تأثیر متغیرهای مستقل را بر هر ۶ داده فساد اجرا کرده و در نهایت با گرفتن میانگین از ضرایب بتا به اعداد مورد نظر دست یافته است.

2. Authoritarian regimes

پیش‌بینی‌کننده فساد نیستند. با توجه به برآوردهای تحقیق آنها، کمتر از ۴۵ سال سابقه نظام دموکراتیک پایدار برای کاهش قابل توجهی در فساد کافی است (Pellegrini & Gerlagh, 2008).

۲-۲. ثبات سیاسی

مطابق با تحقیقات انجام شده، بی‌ثباتی سیاسی ارتباط معنی‌داری با فساد دارد. اعتقاد بر این است که ثبات سیاسی فساد را کاهش می‌دهد (Lederman, 2004; Pellegrini & Gerlagh, 2008; Lederman, 2004; Stapenhurst & et al, 2006).

در خصوص ارتباط فساد و ثبات سیاسی دو استدلال متفاوت و متضاد وجود دارد. برخی استدلال کرده‌اند که با دوره کوتاهی از قدرت، بی‌ثباتی سیاسی قدرتمندان را به سمت کسب مال سریع به جای علاقه به کسب منافع در آینده سوق می‌دهد. جنگ، جنگ داخلی، انقلاب و موارد دیگر که در آن حقوق و نظم اجتماعی تضعیف می‌شود، اغلب در زمان شیوع، باعث سوءاستفاده از قدرت می‌شوند. بنابراین، کوتاه شدن افق زمانی سیاستمداران بر سطح فساد مؤثر است (Pellegrini & Gerlagh, op.cit: 259). دیگران استدلال متضادی را ارائه کردند: ثبات زیاد، کارمندان را برای رسیدن به معاملات نسبتاً امن و درازمدت فساد با شرکای خصوصی قادر می‌سازد. جنگ، تهاجم، تغییرات عمده سیاسی و تغییر دولت ممکن است معاملات (فساد) را متراکم کند (Olson, 1982). برخی نیز استدلال کرده‌اند که ثبات سیاسی، روابط مبتنی بر اعتماد بین دو سوی حوزه عمومی و خصوصی را فراهم می‌کند. بنابراین، درحالی که اگر بوروکرات‌ها برکنار شوند، افست پتانسیل فزاینده است، ثبات سیاسی به‌طور بالفعل انتظار برگشت فساد را افزایش می‌دهد. همچنین لدرمن ثبات دموکراتیک را مهم‌ترین متغیر در کاهش فساد می‌داند، اما از نظر او در کوتاه‌مدت، سیستم‌های دموکراسی و ریاست جمهوری از اهمیت بیشتری برخوردارند. او سیستم ریاست جمهوری و دولت را با فساد بالاتر همراه می‌داند (Lederman, 2004: 16 & 18). بنابراین در خصوص ثبات سیاسی دو دیدگاه متضاد وجود دارد: در دولت‌های سیاسی با ثبات، بوروکرات‌ها فرصت کمتری برای اخراج و فرصت بیشتری برای پیشرفت درازمدت شغلی دارند، که برایشان مشوقی است و اعتباری برای پیشرفت حرفه‌ای آنهاست. اما از

سوی دیگر، ممکن است جایگاه دائمی در قدرت به حفظ روابط و اعتبار حامی‌پروری و فساد کمک کند.

۳-۲. آزادسازی اقتصادی

برای اولین بار مطالعه اقتصادی بین کشوری در مورد تأثیر فساد بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری توسط مائورو انجام شد. مائورو با استفاده از شاخص BI^۱ رابطه منفی قابل توجهی بین فساد و نرخ رشد اقتصادی سالانه در دوره ۱۹۸۵-۱۹۶۰ یافته است. تجزیه و تحلیل تجربی او نشان داد که بهبود انحراف استاندارد در شاخص فساد، باعث افزایش ۵ درصدی سرمایه‌گذاری تولید ناخالص داخلی و افزایش ۰/۵ درصد نرخ رشد سالانه GDP می‌شود.

بسیاری از نویسندگان معتقدند که آزادسازی اقتصادی و محیط رقابتی از فساد جلوگیری می‌کند. برای مثال دانیل لدرمن (۲۰۰۴) و ادس و تلا (۱۹۹۶) استدلال کرده‌اند که کشورهایی که به سوی تجارت خارجی باز هستند، گرایش کمتری به فساد دارند، به طوری که تجارت آزاد خارجی و سیاست‌های حمایت از تولیدات داخلی کمتر، با تعرفه‌های حاشیه‌ای بر روی شرکت‌های خارجی تمایل به سطح پایین فساد دارد. در اقتصاد آزاد، اعتقاد بر تأثیر مثبت بر فساد است؛ در مرحله اول، از طریق کنترل اتوماتیک و تعادل ناشی از محیط رقابتی، در مرحله دوم، رقابت باعث تبانی شرکت‌های مختلف به منظور خرید مقامات می‌شود و در مرحله سوم، فساد از طریق مشارکت به شیوه‌های اداری و کسب و کار در یک کشور کاهش می‌یابد. آن دسته از کشورهایی که عمیقاً با بازارهای جهانی یکپارچه می‌شوند، در توسعه نهادهای سیاسی، اجتماعی و قانونی که مانع از فساد است، موفق بوده‌اند (Live, 2004). آزادسازی تجاری و افزایش عرضه محصولات خارجی در بازار داخلی، رقابت‌های داخلی را افزایش می‌دهد، در نتیجه رانت و فساد را کاهش می‌دهد. در مقابل، موانع تجاری، فرصت‌های کسب رانت‌های اضافی را افزایش می‌دهد. اما در تحقیق ترایسمن (۲۰۰۰) اندازه اثر آزادسازی تجاری خیلی کوچک است. همچنین

1. Patronage and corruption

۲. یکی از روش‌های سنجش فساد، شاخص مبتنی بر افکارسنجی است که اطلاعات حاصل از پرسشنامه مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. یکی از شاخص‌های مبتنی بر افکارسنجی، شاخص تجارت بین‌الملل (BI) است. که کشورها بر اساس آن میزان از مبادلات بازرگانی که شامل فساد مالی یا پرداخت‌های مشکوک باشند رتبه‌بندی می‌شوند.

تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب ۱۷

در پژوهش لدرمن با لحاظ کردن متغیر کنترل سیاسی، اقتصاد باز اثر معنی داری بر فساد ندارد، اما بدون متغیرهای سیاسی، اقتصاد باز اثر منفی و معنی داری در مبارزه با فساد نشان می‌دهد (Lederman, op.cit). لیو معتقد است: قابلیت آزادسازی اقتصادی برای کاهش فساد و ارتقای کیفیت شیوه‌های اداره کردن و مدیریت کسب و کار بدیهی نیست (Live, op.cit: 34).

۲-۴. تورم

برون و تلا نشان می‌دهند که تغییرپذیری نرخ تورم^۱ می‌تواند به فساد بالاتر و سرمایه‌گذاری کمتر منجر شود. آنها رابطه مثبتی بین فساد و نرخ تغییرپذیری تورم در نمونه‌ای از ۷۵ کشور یافتند. مطابق با یافته‌های آنها، یک انحراف استاندارد افزایش در تغییرپذیری نرخ تورم، به‌طور متوسط فساد را ۱۲ درصد انحراف استاندارد افزایش می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که یک انحراف استاندارد افزایش در واریانس تورم با افزایش حدود ۰/۴۷ نقطه‌ای یا ۳۲ درصد انحراف استاندارد فساد همراه است. از نظر آنان، این برآورد را می‌توان برای محاسبه هزینه‌های غیرمستقیم واریانس تورم که از طریق فساد عمل می‌کند به کار برد. مطابق با یافته‌های آنها، تغییرپذیری تورم به‌علت فساد، هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد (Braun & Tella, 2004: 96).

۲-۵. تولید ناخالص داخلی

سرنه GDP به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی تعیین‌کننده فساد است. این متغیر نشان می‌دهد که با توسعه اقتصاد، فساد کاهش می‌یابد. کشورهایی با GDP بالاتر، سطوح کمتری از فساد را تجربه می‌کنند. سهم بیشتری از توزیع مجدد تولید ناخالص داخلی توسط دولت، فساد بیشتری در پی دارد. همچنین با توجه به یافته‌های تحقیق مانتینیلا و جکمن (۲۰۰۲)، سطوح بالاتری از تولید ناخالص داخلی با سطح پایین فساد همراه است. تحقیق لدرمن (۲۰۰۴) و آلیسینا و آنجلیتوس (۲۰۰۵) نیز یافته‌های مانتینیلا و جکمن را تأیید می‌کنند: همبستگی بین درآمد دولت به‌عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی، دارای رابطه منفی و معنی دار با فساد است، به‌طوری که درآمد بالاتر به‌عنوان سهمی از تولید

1. Inflation variability

ناخالص داخلی منجر به فاسد کمتر می شود. همچنین لیو معتقد است: فساد جوامعی که در نظام اقتصاد جهانی ضعیف ترند، ثابت شده است.

۲-۶. صادرات و واردات

صادرکنندگان انرژی خالص گرایش به نمایش سطح بالایی از فساد دارند. به طور متفاوتی، واردکنندگان انرژی خالص به این خاطر که به سطح بالای تولیدات معدنی تکیه نمی کنند، خواهان فساد سیاسی پایین تری هستند (Gerring & Thacker, 2004). تحقیق پلگرینی و جرلاگ بیانگر آن است که تغییر ۲۵ درصدی در ارزش منابع طبیعی کالاهای صادراتی (با یک انحراف استاندارد تغییر) با ۰/۲۰ تغییر در شاخص ادراک فساد مرتبط است (Pellegrini & Gerlagh, 2008: 256). ترایسمن نشان داده است واردات بیشتر منجر به فساد کمتری می شود (Treisman, 2000).

تحقیق لرن و تورز نشان می دهد: فساد بیشتر منجر به واردات کمتر می شود و واردات به خودی خود، باعث کاهش فساد نمی شود. مطابق با یافته های آنها، کشورهای صادرکننده نفت به طور معنی داری حدود ۱/۰۹ نمره فساد بیشتری از سایر کشورها دارند (Larrain & Tavares, 2004: 224).

۲-۷. پاسخگویی

پاسخگویی با این حقیقت مرتبط است که برای رعایت صحیح قوانین و مقررات، اجراکنندگان قوانین باید در برابر اعمالشان مسئولیت پذیر و پاسخگو باشند. سازمان شفافیت بین المللی پاسخگویی عمودی را که با استفاده از قدرت رأی شهروندان است، در کنترل فساد رد می کند. در مقابل، پاسخگویی افقی را در کنترل فساد موفق تر می داند (Warren, 2005). همچنین مارک فیلپ^۱ می نویسد: هرگز کنترل فساد در دموکراسی بر مشارکت دموکراتیک تکیه نمی کند. مشارکت وقتی در دسترس باشد، به خودی خود می تواند فساد را تهدید کند و آن، منبع غیر احتمالی برای تضمین پاسخگویی است.

در کشورهایی که سازوکار مؤثر و ترتیبات نهادی برای پاسخگویی مدیران در برابر اعمالشان وجود نداشته باشد، فساد بیشتر است. اختیار و قدرت زیاد مدیران نسبت به تفسیر

1. Mark Philp

قوانین، آزادی در چگونگی اصلاح، تغییر، لغو و اجرای قوانین، زمینه‌ساز ظهور و افزایش فساد است. قدرت اختیاری از این رو به وجود می‌آید که ممکن نیست قوانین و مقررات از خطا و اشتباه محفوظ باشند و همه اتفاقاتی را که ممکن است در کنترل و هدایت فعالیت‌های اقتصادی رخ دهد کنترل کنند. از این رو، برخی اختیارات و انعطاف‌پذیری در تفسیر و اجرای قوانین به مدیران داده شده است.

پاسخگویی نیاز کلیدی حکومت خوب است. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی باید به عموم مردم و به ذی‌نفعان نهادی خود پاسخگو باشند. به‌طور کلی یک سازمان و یا نهاد باید به کسانی که از تصمیمات یا اقدامات آن مؤثر می‌شوند، پاسخگو باشد. از نظر سازمان ملل، پاسخگویی بدون شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نخواهد بود.^۱

۸-۲. مذهب

تحقیقاتی که به رابطه مذهب و فساد توجه داشته‌اند، در سطح تجربی، تقریباً در تمام موارد رابطه مذهب پروتستان و کاتولیک و فساد را مورد آزمون قرار داده‌اند. از لحاظ تئوری، جمعیت مذهبی‌تر به سطوح پایین‌تر از فساد دولتی تمایل دارند. ترايسمن معتقد است: مذهب فساد را کاهش می‌دهد، زیرا مذهب، جامعه‌ای مدنی سازمان می‌دهد که شهروندان آن بیشتر بر دولت نظارت دارند (Treisman, op.cit: 428).

با وجود این، فلیوین با استفاده از داده‌هایی از ایالات متحده، ارتباط کمی بین مذهب (کاتولیک و پروتستان) و کاهش فساد یافته است. وی معتقد است: به دلیل اختلاف نظر میان محققان بر سر اندازه‌گیری مذهب و فساد، چنین تحقیقاتی نتایج متفاوتی ارائه می‌کنند. با این حال، با توجه به تحقیق او، آرایش فرقه‌ای دولت با فساد دولتی در ارتباط است (Flavin, 2008).

برخی محققان از طریق مطالعات بین‌کشوری نشان داده‌اند که مذهب پروتستان دارای اثر مثبت بر کاهش فساد در جامعه است که آن را از طریق فردگرایی و مساوات‌طلبی ذاتی به مذهب پروتستان می‌توان توضیح داد (Pellegrini & Gerlagh, 2008; Trissman, 2000; Gerring & Thacker, 2004). همچنین این اثر را از دو طریق تأثیر مثبت پروتستان بر توسعه

1. <http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.asp>

اقتصادی (استدلال وبری) و ثبات دموکراسی تبیین می‌کند. تحقیقات نشان داده است که کشورهای پروتستان و کاتولیک حداقل فساد در مقایسه با کشورهای مسلمان را دارند (Live, 2004: 30).

اغلب تصور می‌شود که سنت‌های مذهبی، نگرش‌های فرهنگی به سلسله‌مراتب اجتماعی را مشروط ساخته و تحت تأثیر قرار می‌دهند. هر کجا مذاهب سلسله‌مراتبی بیشتر است (کاتولیک، ارتدکس شرقی و اسلام)، چالش کارمندان ممکن است کمتر از فرهنگ ادیان مساوات‌طلبانه و یا استقلال‌خواه، از جمله پروتستان باشد. همچنین ممکن است دین سطح فساد را از طریق الگوی تاریخی نفوذی که در مناسبات مختلف بین کلیسا و دولت توسعه یافته است، تحت تأثیر قرار دهد. در سنت‌های مذهبی مانند پروتستان، که در برخی جاها به عنوان فرقه‌های مخالف مذهب دولتی است، کلیساها ممکن است نقش نظارتی و افشاکننده مقامات دولتی را بازی کنند. در سنت‌های دیگر - مانند اسلام - که در آن سلسله‌مراتب کلیسا و دولت در هم تنیده شده است، چنین نقشی ممکن است وجود نداشته باشد (Treisman, 2000: 403).

۹-۲. اندازه دولت

برخی تحقیق‌ها نشان می‌دهند که اندازه دولت فساد را افزایش می‌دهد، در حالی که توزیع منابع از دولت مرکزی به سطوح دیگر از دولت ملی فساد را کاهش می‌دهد (Lederman, 2005; Alesina & Angeletos, 2004). به عبارتی، با بزرگ شدن دولت، فساد افزایش می‌یابد. گرچه برخی از نویسندگان دریافته‌اند که دولت کوچک‌تر، برابر با فساد کمتر است، بیشتر مطالعات تجربی مخالف با نظریه منفی ارتباط بین اندازه دولت و سطح فساد است (Pellegrini & Gerlagh, 2008).

در تحقیق آلیسینا و آنجلیتوس در خصوص فساد و عدالت، اندازه دولت در ایجاد فساد و بی‌عدالتی مؤثر است. یافته مهم تحقیق آنها، آن است که سیاست‌های تنظیمی و توزیع مجدد به کاهش نابرابری یا بهبود عدالت درآمدهای اقتصادی گرایش دارد که ممکن است سبب ایجاد فرصت‌های بیشتری در فساد شوند. از نظر آنان، در کشورهای در حال توسعه، هزینه‌های عمومی نسبت به فقرا اغلب به اشتباه هدف‌گیری می‌شود و اغلب لابی‌هایی را ایجاد می‌کند. بنابراین، دولت‌های کوچک برای بازارهای نابرابر کفایت

نمی‌کنند، بلکه دولت‌های بزرگ فساد و رانت‌جویی را افزایش می‌دهند. فساد بیشتر از سیاست توزیع مجدد حمایت می‌کند که به تولید نابرابری و بی‌عدالتی توسط فساد گرایش دارد. اما در تحقیق مانتینلا و جکمن اندازه دولت به‌طور سیستماتیک بر فساد تأثیرگذار نیست، اما در کشورهای تولید و صادرکننده نفت (اوپک) تأثیرگذار است. ارزیابی آنان دلالت دارد که حکومت‌های بزرگ‌تر با سطح فساد در ارتباط است. این الگو با توجه به این ادعا که بخش عمومی بزرگ‌تر، انگیزه رفتار رانت‌جویی را بسط می‌دهد و از این رو فساد را گسترش می‌دهد، قابل توجه است (Montina & Jackman, 2002: 147).

البته درخصوص اندازه دولت، اکرمین معتقد است: کشورها باید به ساختار واقعی برنامه‌های دولتی و نه صرفاً اندازه دولت، توجه داشته باشند (اکرمین، ۱۳۸۵: ۷۷). در این خصوص نتایج تحقیق گو و همکاران، نشان می‌دهد که افزایش در اندازه دولت، در صورتی که سطح دموکراسی به اندازه کافی بالا باشد، منجر به کاهش فساد می‌شود. در مقابل، اگر دموکراسی پایین باشد، منجر به افزایش فساد شود (Go et al., 2010).

۱۰-۲. شفافیت

به تازگی مطالعات تئوری و تجربی نشان داده‌اند: در بین متغیرهای نهادی متفاوت، میزان انتشار روزنامه، به‌عنوان بررسی‌کننده عواملان منافع عمومی عمل می‌کند. آزادی اطلاعات به‌عنوان یکی از عوامل اصلی جلوگیری از فساد مطرح است. مطالعات تجربی ارتباط قوی بین سطح کمتر فساد و آزادی مطبوعات را نشان داده‌اند (Pellegrini & Gerlagh, 2008; Lederman, 2004; Naurin & Lindstet, 2005; Stapenhurst et al., 2006).

آزادی تشکل و مطبوعات، منجر به افشای متجاوزان به حقوق بشر می‌شود و علاوه بر این، گروه‌های ذی‌نفع عمومی تشکیل می‌دهد. همچنین، بررسی آزادانه فساد و قرار گرفتن فاسدان در معرض رسانه‌های جمعی، به‌عنوان بازدارنده بوروکرات‌ها برای شرکت در فساد، عمل می‌کند (Pellegrini & Gerlagh, 2008). از سوی دیگر تحمل جامعه از فساد در حدی است که رسانه‌ها منعکس‌کننده رسوایی فسادند. هرچه قدرت سیاسی متمرکزتر و لحیم شده باشد و رسانه‌های کمتری در دسترس دولت باشد، رسیدگی فساد سخت‌تر می‌شود. اما اگر روزنامه‌ها و مطالب توسط حزب حاکم دیکته شده باشد، علاقه کمتری به کشف موارد فساد وجود دارد (Live, 2004: 27).

لینستت و نورین معتقدند: مفهوم شفافیت از لحاظ کیفی از تبلیغات و پاسخگویی متفاوت است. دسترسی عمومی و افزایش خطر اطلاعات در مورد آنهایی که عمل نادرستی دارند (شفافیت) بر رفتار نخبگان را کافی ندانسته و استدلال می‌کند اگر اطلاعات به‌طور گسترده پخش نشود، نمی‌توان از آن به‌عنوان ضمانت اجرا بر بازیگران استفاده کرد. از نظر آنان، با اینکه مطبوعات آزاد خطری برای فساد محسوب می‌شوند، اما شفافیت برای اصلاحات ضدفساد راه‌حل فوری محسوب نمی‌شود. در کشورهای با سطح پایین آموزش و نظام‌های سیاسی نیمه‌دموکراتیک، شفافیت باید همراه اصلاحات اضافی، ظرفیت مردم در فرایند آگاهی‌رسانی و اجرای ضمانت اجرایی را تقویت کند. آنها استدلال می‌کنند که اثر تعاملی انتخابات آزاد و عادلانه و مطبوعات آزاد (و یا آزادی‌های مدنی گسترده‌تر) با همدیگر، ضربه لازم برای فساد است (Lindstedt & Naurin, 2011: 4-9).

همچنین یافته‌ها بیانگر رابطه منفی و معنی‌دار بین گردش روزنامه و دو نوع شفافیت است. افزایش گردش روزنامه، قدرت شفافیت در کاهش فساد را افزایش می‌دهد. این فرضیه که گسترش رسانه (در تعداد سرانه گیرنده‌های رادیویی به جای روزنامه‌ها) اثر شفافیت را تقویت می‌کند، قابل پشتیبانی نیست.

در مجموع چنانکه ملاحظه شد، برخی متغیرها (مانند ثبات سیاسی، آزادسازی اقتصادی و اندازه دولت) در تحقیقات مختلف اثرات متضادی را نشان می‌دهد که به قول پلگرینی و جرلاگ، تا حدودی دلیل آن را باید در نوع نمونه‌گیری جستجو کرد. بررسی علل فساد با نمونه‌های بزرگ در مراحل اولیه خود است و نمونه‌های بزرگ‌تر، اثر تحقیقات نمونه‌های کوچک‌تر را تا حدودی معکوس کرده است. از سوی دیگر، علت آن تفاوت در کشورهایی است که به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شوند. دیگر آنکه در تحقیقات انجام شده به ندرت به سازوکارهای رابط توجه شده و برخی عوامل (مانند تورم، تولید ناخالص داخلی، صادرات و واردات) کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

دسته‌بندی‌هایی که تا کنون از عوامل مؤثر بر فساد توسط محققین صورت گرفته است، سه دسته عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. در این دسته‌بندی‌ها، ترکیبات قومی، هنجارهای اجتماعی، سابقه حکومت استعماری و مذهب، تحت عنوان عوامل فرهنگی؛ تولید ناخالص داخلی، صادرات و واردات، حقوق و دستمزد، تورم، تمرکززدایی مالی و آزادسازی اقتصادی تحت عنوان عوامل اقتصادی و پاسخگویی، حاکمیت قانون،

ثبات سیاسی و عدم خشونت، تداوم دموکراسی بی‌وقفه، شفافیت و اندازه دولت تحت عنوان عوامل سیاسی مؤثر بر فساد بررسی شده‌اند. در این تحقیق، دسته‌ای دیگر به نام عوامل فرایندی، بر این تقسیم‌بندی‌های متداول اضافه خواهد شد. این دسته شامل شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون می‌باشد. سازمان ملل، پاسخگویی را از ملزومات حکمرانی خوب می‌داند و در عین حال، آن را بدون شفافیت و حاکمیت قانون اجرا شدنی نمی‌داند، بنابراین آنها را در یک دسته جای می‌دهد. علاوه بر این، این سه متغیر، فرایند انجام کار نیستند، اما بر فرایند انجام کار نظارت دارند، بنابراین آنها را در دسته عوامل فرایندی مؤثر بر فساد مورد بررسی قرار خواهیم داد. بزرگ‌ترین بخش تئوری‌های تبیین‌کننده فساد، تئوری‌های سیاسی هستند (Lederman, 2004: 4). اتخاذ تصمیمات سیاسی، به دلیل در قدرت بودن تصمیم‌گیران سیاسی، منبع مهم فساد به شمار می‌رود (آکرمن، ۱۳۸۵). منظور از عوامل سیاسی در این تحقیق، مدت زمان تداوم دموکراسی بی‌وقفه یا پایدار و ثبات سیاسی و عدم خشونت است.

محققین مختلف، عوامل فرهنگی مؤثر بر فساد را هنجارهای اجتماعی، مذهب، وفاق و تعلق گروهی (چند پارگی قومی و افتراق قومی زبانی) و سابقه حکومت استعماری (که به طور خاص استعمار انگلیس در اکثر تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است) می‌دانند. در این تحقیق تنها متغیر مذهب در این دسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همان‌طور که توضیح داده شد، در بررسی ارتباط بین مذهب و فساد، تنها به مذاهب کاتولیک و پروتستان توجه شده است. در این تحقیق مذهب اسلام نیز در کنار دو مذهب دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تا کنون حقوق کارمندان دولتی، رانت اقتصادی (اقتصاد تک محصولی و وابستگی به یک سهم از تولید کشور)، صادرات و واردات، GDP، تورم و آزادسازی اقتصادی به عنوان شاخص‌های رونق یا رکود اقتصادی در در بررسی عوامل مؤثر بر فساد در تحقیقات مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین این شاخص‌ها نشان می‌دهند که چرا کشورهای مختلفی که از لحاظ ساختارهای اجتماعی و منابع طبیعی کاملاً شبیه هم هستند، در رفاه مردمشان عملکردی متفاوت نشان می‌دهند. در این تحقیق اثر تولید ناخالص داخلی، تورم، اندازه دولت، صادرات و واردات و آزادسازی اقتصادی بر فساد در دسته عوامل اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. www.unescap.org/huset/gg/governance.htm

جدول ۱. عوامل مؤثر بر فساد

تداوم دموکراسی بی وقفه	عوامل سیاسی
ثبات سیاسی و عدم خشونت	
پاسخگویی	عوامل فرایندی
شفافیت	
حاکمیت قانون	
مذهب	عوامل فرهنگی
آزادسازی اقتصادی	عوامل اقتصادی
صادرات و واردات	
تورم	
تولید ناخالص داخلی	
اندازه دولت	

عوامل مؤثر بر فساد که در این تحقیق لحاظ شده است، به صورت خلاصه در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. از بین این عوامل، اندازه دولت و مذهب کاتولیک به علت نداشتن همبستگی با متغیر وابسته از تحلیل و مدل رگرسیون کنار گذاشته شدند.

۳. روش تحقیق

روش به کار رفته در این تحقیق، روش تطبیقی است. اصطلاح روش تطبیقی در علوم اجتماعی برای اشاره به نوع خاصی از مقایسه - مقایسه واحدهای اجتماعی کلان - به کار گرفته می شود. روش تطبیقی به مورد محور و متغیر محور تقسیم می شود و تحقیق حاضر از نوع متغیر محور محسوب می شود.

رویکرد متغیر محور به بررسی تناظر میان روابط شناسایی شده در جوامع و کشورها و تصوراتی که نظریه ها از پدیده های اجتماعی کلان ارائه می کنند توجه دارد (ریگین، ۱۳۸۷: ۹۱). در تحقیق متغیر محور، هر قدر دامنه مشاهدات بیشتر باشد، بهتر است. مشاهده وسیع علاوه بر آنکه مبنایی برای آزمون دقیق تر فراهم می آورد، به محقق امکان می دهد تا گستره یک استدلال را نیز نشان دهد (همان: ۹۳). محققین در تحقیق متغیر محور عموماً روابط میان خصایص کلی ساختارهای اجتماعی را که در قالب متغیرها بیان شده اند مطالعه می کنند که با آزمون همبستگی میان متغیرها می توان تعمیم های تجربی درباره فرایندهای ساختاری

تعداد زیادی از واحدهای اجتماعی کلان (معمولاً دولت - ملت‌ها) ارائه داد (همان: ۹۴). با توجه به توضیحات ارائه شده، این تحقیق به بررسی تطبیقی سطح فساد در ۱۷۹ کشور در سطح جهان می‌پردازد و داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش را نیز از طریق بانک‌های اطلاعاتی مختلف تأمین کرده است.

متغیر وابسته تحقیق، فساد بوده است که با توجه به اهمیت بررسی مسئله فساد، داده مربوط به متغیر وابسته از ۴ بانک اطلاعاتی مختلف (مؤسسه برتلسمن، سازمان شفافیت، شاخص رقابت جهانی و مؤسسه ریسک بین‌الملل) جمع‌آوری شده است و با توجه به آخرین سال به‌روز رسانی بانک‌های منتخب متغیر وابسته، میانگین ۵ سال منتهی به آخرین سال به‌روز رسانی داده‌های در دسترس، جهت بررسی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

اغلب تحقیقات مهم بین‌کشوری، در بررسی عوامل مؤثر بر فساد از روش ادراک فساد استفاده کرده‌اند. شاخص ادراک فساد مبتنی بر سنجش نظرات مردم و گروه‌های مختلف (متخصصین، نخبگان، اهل کسب و کار و...) در خصوص میزان رواج فساد در جامعه است. عدم اطلاع مردم از میزان واقعی فساد و ذهنی بودن این شاخص (فاضلی؛ ۱۳۸۵: ۵۶) دو مورد از مهم‌ترین انتقاداتی است که بر این شاخص وارد است. بنابراین، با توجه به انتقادات موجود بر روش ادراک فساد از سال ۲۰۰۳ روش تجربه فساد به بررسی دیدگاه عموم مردم در مورد میزان فساد در کشورها و همچنین تلاش دولت‌ها در مبارزه با فساد، دلایل پرداخت رشوه و نگرش نسبت به گزارش فساد توجه دارد. هر دو این روش‌ها توسط سازمان شفافیت بین‌الملل به اندازه‌گیری فساد مبادرت دارند. شاخص ادراک فساد که به‌عنوان یکی از شاخص‌های چهارگانه فساد در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، نمره بین صفر تا ۱۰ دارد که صفر به معنای حداکثر فساد و ۱۰ به معنای حداقل فساد است.

شاخص دیگری که در خصوص فساد در این تحقیق به کار رفته، شاخص برتلسمن است. این مؤسسه در خصوص فساد درصد پاسخ به دو سؤال کلی است: آیا ترتیبات نهادی مناسبی در خصوص سیاست‌های ضدفساد وجود دارد؟ و آیا به‌طور مؤثر و موفقیت‌آمیزی فساد را مورد پیگرد قرار می‌دهند؟ این مؤسسه با بررسی حسابرسی از هزینه‌های دولت، قوانین و مقررات تأمین مالی احزاب، دسترسی شهروندان و رسانه‌ها به

اطلاعات، شفافیت سیستم تدارکات عامه و پاسخگویی مقامات از جمله اعلان دارایی، تعارض قوانین بهره، کدهای رفتاری به شاخصی بین ۱۰-۱ می‌رسد که در خصوص مهار فساد توسط دولت قضاوت می‌کند و ۱ به معنای حداکثر فساد و ۱۰ به معنای حداقل فساد است.

سومین شاخص به کار رفته در خصوص فساد شاخص فساد ICRG است. ICRG ارزیابی سرمایه‌گذاران خارجی از میزان فساد در اقتصاد کشوری را منعکس می‌کند. از منظر سرمایه‌گذاران، مهم آن است که آیا مقامات دولتی بلندمرتبه احتمال دارد درخواست پرداخت‌های خاصی داشته باشند و آیا پرداخت‌های غیرقانونی مانند رشوه در سراسر سطوح پایین دولت، پروانه صادرات و واردات، معاملات، مالیات، امنیت‌های پلیسی یا دادن وام معمول است. در نهایت این شاخص به نمره‌ای بین ۶-۰ می‌رسد که ۰ به معنای حداکثر فساد و ۶ به معنای حداقل فساد است. آخرین شاخص مورد استفاده فساد در این تحقیق، شاخص فساد مؤسسه رقابت جهانی است که به ارزیابی پرداخت‌های غیرمجاز و رشوه، به‌عنوان شاخص فساد (شاخصی بین ۷-۱) توجه دارد.

در نهایت با کمک روش تحلیل عاملی در خصوص ۴ شاخص فساد ذکر شده، نشان دادیم که این شاخص‌ها قابل ترکیب هستند و یک چیز را می‌سنجند. شاخص KMO برای تحلیل عاملی ۴ بانک داده فساد برابر با ۰/۶۲۵ است. در مجموع داده‌ها ۶۷/۷۵ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند که از تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی حکایت دارد. خروجی تحلیل عاملی بیانگر آن است که هر ۴ شاخص مربوط به فساد در یک عامل جای می‌گیرند، به عبارت دیگر، انواع شاخص‌ها یک بعدی هستند و یک چیز را می‌سنجند. همچنین بار عاملی کلیه متغیرها بین ۰/۸۰۸ تا ۰/۹۷۵ است و نشان می‌دهد که عامل مشترک تبیین‌کننده واریانس متغیرها است. از آنجایی که برخی کشورها در برخی از این ۴ شاخص فاقد اطلاعات بودند، در نتیجه نمره عاملی برای برخی کشورها موجود نبوده است. به همین دلیل، نمره نهایی به کار رفته برای متغیر وابسته بر اساس یکسان‌سازی وزن کشورها و لحاظ کردن نمره میانگین آنها، به یک شاخص فساد بین صفر تا صد (نمره نهایی پاکی فساد) رسیدیم که با افزایش نمره، میزان فساد کم می‌شود. بنابراین، شاخص نهایی متغیر وابسته، شاخص پاکی و فقدان فساد است.

داده‌های مربوط به متغیر مستقل شاخص‌های حکمرانی خوب و کیفیت حکومت

(شامل پاسخگویی، کارآمدی حکومت، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات تنظیمی و حاکمیت قانون) از بانک اطلاعاتی پروژه جهانی شاخص‌های حکمرانی (WGI)^۱ که توسط بانک جهانی (۲۰۰۷-۲۰۱۱) انجام شده به دست آمده است. همچنین داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی و صادرات و واردات نیز از طریق بانک جهانی (۲۰۰۷-۲۰۱۱) به دست آمده است. داده‌های مربوط به شاخص تورم (۲۰۰۷-۲۰۱۱) از بانک اطلاعاتی ریسک بین‌المللی (ICRG)^۲ به دست آمده و داده‌های مربوط به آزادی مطبوعات به‌عنوان شاخص شفافیت (۲۰۱۱-۲۰۱۲) از بانک اطلاعات مؤسسه بین‌المللی خانه آزادی تأمین شده است. داده‌های مربوط به دو متغیر درصد جمعیت مذهبی جامعه (مسلمان، کاتولیک و پروتستان) و پایداری دموکراسی (۱۹۹۵-۱۹۳۰) از بانک اطلاعاتی مؤسسه (QOG)^۳ و داده‌های مربوط به شاخص آزادسازی اقتصادی و اندازه دولت از بانک اطلاعاتی مجمع جهانی اقتصاد (EFW)^۴ در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵ اخذ شده است. داده‌های مربوط به شاخص وفاق و تعلق گروهی (تعداد فعالان و مبارزان شورشی، مرگ و میر سالانه در اثر مبارزه و مناطق کشور که تحت تأثیر مبارزه است) از بانک اطلاعاتی خشونت‌های قومی (EV) و جنگ‌های نژادی (EW)^۵ طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۴۶ به دست آمده است. بنابراین، روش به کار رفته در این تحقیق تحلیل ثانویه و روش تحلیل تطبیقی بوده است.

-
1. Worldwide Governance Indicators
 2. Political Risk Services
 3. Quality of Government
 4. World Economic Forum
 5. Ethnic Violence (EV) & Ethnic War (EW)

۴. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق کشورهایی را که در یکی از ۴ بانک اطلاعاتی فساد دارای داده بوده‌اند را خوشه‌بندی کردیم تا اطلاعاتی درخصوص کشورهای فاسد و غیرفاسد به دست آوریم.

جدول ۲. توزیع وضعیت فساد و پاکی در کشورهای جهان

ردیف	نام کشورها	تعداد کشورها	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۱	افغانستان، زیمبابوه، ونزوئلا، یمن، سوریه، سومالی میانمار، لیبی، عراق، هائیتی، گینه، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، بوروندی، ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، جمهوری قرقیز، کره شمالی، کامبوج، سودان جنوبی، گینه استوایی، کوموروس، لائوس، گینه بیسائو	۲۶	۳/۴۶	۱۹/۷۴	۱۲/۹۲	۴/۳۵
۲	بلژ، جیبوتی، گریببازی، سوازیلند، آفریقای مرکزی، اریتره، گابون، گامبیا، بلاروس، بنین، بوسنی و هرزگوین، جمهوری کنگو، یونان، گویان، لسوتو، لبنان، لیبیا، موریتانی، نیجر، پاپوآنیوگینه، عربستان، سیرالئون، سورینام، توگو، آلبانی، الجزایر، آنگولا، آرژانتین، ارمنستان، آذربایجان، بنگلادش، بولیوی، بورکینافاسو، کامرون، چین، جمهوری دومینکن، اکوادور، مصر، اتیوپی، گواتمالا، هندوراس، اندونزی، ایران، جامبیکا، قزاقستان، کنیا، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، مکزیک، مولداوی، مغولستان، موروکو، موزامبیک، نپال، نیکاراگوئه، نیجریه، پاکستان، پاناما، پاراگوئه، فیلیپین، روسیه، سنگال، سودان، تانزانیا، تایلند، اوگاندا، اوکراین، ویتنام، زیمبابوه، ترینیداد و توباگو، جزایر سلیمان، سائو تومه و پرنسیپ	۷۳	۲۰/۷۲	۳۶/۱۶	۲۷/۶۲	۴/۷۶

ادامه جدول ۲

ردیف	نام کشورها	تعداد کشورها	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۳	کاپ ورد، نائورو، پرتوریکو، سیشل، ساموآ، برونی، کوزوو، کوبا، گرجستان، ایتالیا، مقدونیه، مالتا، مونته‌نگرو، قطر، رواندا، بحرین، برزیل، بلغارستان، کلمبیا، کاستاریکا، کرواسی، چک، السالوادور، غنا، مجارستان، هند، اردن، کویت، لاتیوی، لیتوانی، مالزی، نامیبیا، عمان، پرو، لهستان، رومانی، صربستان، اسلواکی، آفریقای جنوبی، سریلانکا، تونس، ترکیه	۴۲	۳۷/۹۱	۵۶/۸۹	۴۶/۵۸	۵/۷۵
۴	باهاما، باربادوس، بوتان، بلژیک، قبرس، فرانسه، ایرلند، اسرائیل، موریس، پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، ایالت متحده آمریکا، بوستوانا، استونی، ژاپن، کره جنوبی، اسلوانی، تایوان، امارات، اوروگوئه، سنت لوئیس	۲۲	۵۹/۳۸	۷۶/۶۶	۶۸/۱۳	۵/۱۶
۵	استرالیا، اتریش، کانادا، دانمارک، فنلاند، آلمان، هنگ‌کنگ، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نیوزیلند، نروژ، سوئد، سوئیس، شیلی، سنگاپور	۱۶	۷۹/۵۲	۹۷/۸۹	۸۸/۳۲	۵/۳۳

چنانکه اطلاعات توصیفی جدول ۲ نشان می‌دهد، سومالی با کمترین نمره فساد، فاسدترین کشور و فنلاند پاک‌ترین کشور محسوب می‌شود. خوشه یک، پایین‌ترین رتبه و نشان‌دهنده فاسدترین کشورها است و به ترتیب با افزایش نمره خوشه‌ها، از رتبه فساد کشورها کاسته می‌شود و نمره فساد کاهش می‌یابد و بنابراین، خوشه ۵ شامل کشورهای پاک است. ایران با میانگین ۲۱/۳۸ در دسته دوم قرار دارد.

چنانکه شرح داده شد، در این پژوهش، ۴ دسته از عوامل مؤثر بر فساد (عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی و عوامل فرایندی) مورد آزمون قرار گرفت. در تبیین عوامل مؤثر بر فساد، ابتدا مدل رگرسیون برای ۴ دسته عوامل به‌طور جداگانه ترسیم شد و در نهایت مدل رگرسیون نهایی به روش StepWise برای مقایسه کلیه متغیرها در میزان

تأثیر گذاری متغیر وابسته به کار برده شده است. در تفسیر مدل نهایی، از مرحله چهارم آن استفاده شده است. در خصوص عوامل اقتصادی، به دلیل هم خطی متغیرهای مستقل، از آزمون رگرسیون لجستیک به جای رگرسیون خطی استفاده شده است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره برای تبیین فقدان فساد

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار آزمون F	سطح معنی دار آزمون F
عوامل فرایندی به روش Enter	۰/۹۰۷	۰/۸۲۲	۰/۸۲۰	۳۸۹/۶۰۶	۰/۰۰۰
عوامل مذهبی به روش Enter	۰/۴۷۳	۰/۲۲۴	۰/۲۱۴	۲۳/۶۲۶	۰/۰۰۰
عوامل سیاسی به روش Enter	۰/۷۲۳	۰/۵۲۲	۰/۵۱۶	۸۸/۵۳۳	۰/۰۰۰
مدل نهایی به روش Stepwise	۰/۹۴۹	۰/۹۰۰	۰/۸۹۶	۵/۰۵۸	۰/۰۲۷

نتایج رگرسیون عوامل فرایندی نشان داده است که عامل فرایندی ۹۰/۷ درصد با متغیر فقدان فساد همبستگی دارد و ۸۲ درصد از تغییرات فقدان فساد را تبیین می کنند. از بین شاخص های عامل فرایندی، متغیر شفافیت - پاسخگویی (ترکیب متغیر آزادی مطبوعات و پاسخگویی) ۱۷ درصد از تغییرات فقدان فساد را تبیین می کند. همچنین متغیر حاکمیت قانون به عنوان یکی دیگر از متغیرهای عوامل فرایندی، قدرت تبیین ۷۶/۳ درصد از تغییرات فقدان فساد را دارد.

یکی دیگر از تفاوت های کشورهای فاسد و غیر فاسد در فقدان شاخص مذهب (پروتستان و اسلام) قابل توجه است. در جوامع با درصد جمعیت مذهبی (پروتستان) بیشتر، میزان فساد کمتر است. این یافته مطابق با تئوری تراکسمن است که مذهب فساد را کاهش

۱. دو متغیر پاسخگویی، یکی از ۶ شاخص حکمرانی خوب بانک جهانی و متغیر آزادی مطبوعات خانه آزادی که بیانگر فقدان یا وجود آزادی مطبوعات در کشورهای جهان است و متغیر حاکمیت قانون بانک جهانی، سه متغیر عوامل فرایندی در نظر گرفته شده بود که به دلیل هم خطی متغیرها، دو متغیر آزادی مطبوعات و پاسخگویی را تحلیل عاملی کردیم و از ترکیب این دو متغیر، متغیر جدید پاسخگویی-شفافیت را ساختیم.

تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب ۳۱

می‌دهد، زیرا مذهب، جامعه‌ای مدنی سازمان می‌دهد که شهروندان آن بیشتر بر نخبگان نظارت دارند (Treisman, 2000).

جدول ۴. نتایج مدل رگرسیون چند متغیره عوامل فرایندی برای تبیین فقدان فساد

متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد			ضرایب استاندارد		T	سطح معنی‌داری	همبستگی				هم‌خطی
	B	Std. Error	Beta	Part	Partial			Zero-order	تولرانس	VIF		
مقدار ثابت	۴۲/۸۶۱	۰/۷۵۴				۵۷/۴۹۵	۰/۰۰۰					
حاکمیت قانون	۱۷/۶۸۱	۱/۳۰۳	۰/۷۶۳			۱۳/۵۶۴	۰/۰۰۰					
شفافیت - پاسخگویی	۳/۸۳۹	۱/۲۷۲	۰/۱۷۰			۳/۱۱۹	۰/۰۰۳					

این یافته‌ها در نقض یافته‌های فلیوین است، وی با استفاده از داده‌هایی از ایالات متحده، ارتباط کمی بین مذهب (کاتولیک و پروتستان) و کاهش فساد یافته است (Flavin, 2008). ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد، متغیر مذهب به‌طور همزمان ۰/۴۷۳ با متغیر فقدان فساد همبستگی دارد و ۲۱ درصد از تغییرات پاکی کشورها را تبیین می‌کنند. از بین این دو متغیر مذهب پروتستان با بتا ۰/۳۳۶ مهم‌تر از مذهب اسلام با بتای ۰/۲۳۷- است. به عبارت دیگر، در دسته عوامل مذهبی، درصد جمعیت پروتستان بر کاهش فساد و درصد جمعیت مسلمان بر افزایش فساد تأثیر گذار است؛ اما در رگرسیون نهایی، تنها مذهب (مسلمان) دارای رابطه معنی‌دار با فقدان فساد است و با ضریب تعیین ۰/۰۹۲ دارای رابطه مستقیم و مثبتی با فقدان فساد است. این یافته بدین معنی است که اگر در کنار بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب و کیفیت حکومت، دموکراسی پایدار و تولید ناخالص داخلی، درصد جمعیت مسلمان جامعه‌ای بیشتر باشد، فساد در آن کشور (با ۰/۰۹ درصد تأثیر گذاری متغیر مسلمان) کمتر خواهد بود.

جدول ۵. نتایج مدل رگرسیون چند متغیره عوامل مذهبی برای تبیین فقدان فساد

متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد			ضرایب استاندارد		T	سطح معنی‌داری	همبستگی				هم‌خطی
	B	Std. Error	Beta	Part	Partial			Zero-order	تولرانس	VIF		
مقدار ثابت	۳۹/۶۵۸	۲/۳۳۲				۱۷/۰۰۴	۰/۰۰۰					
مذهب اسلام	-۰/۱۴۷	۰/۰۴۶	-۰/۲۳۷			-۲/۲۲۸	۰/۰۰۲					
مذهب پروتستان	۰/۲۳۶	۰/۰۸۰	۰/۳۳۶			۴/۵۹۰	۰/۰۰۰					

نتایج تحلیل رگرسیون عوامل سیاسی نشان می‌دهد که متغیرهای عوامل سیاسی (تداوم دموکراسی بی‌وقفه و ثبات سیاسی و عدم خشونت) به‌طور همزمان ۰/۷۲۳ با متغیر فقدان فساد همبستگی دارند و ۸۱ درصد از تغییرات فقدان فساد را تبیین می‌کنند. همچنین از بین این دو متغیر ثبات سیاسی و عدم خشونت با بتا ۰/۶۳۱/ مهم‌تر از تداوم دموکراسی بی‌وقفه با بتای ۰/۲۰۲ است.

مطالعه تجزیه و زاپ بیانگر آن است که دموکراسی حتی اگر از لحاظ سیاسی بی‌ثبات باشد، مقامات دولتی کمتر فاسدی نسبت به رژیم‌های اقتدارگرا دارد. نتایج تحقیق ما نشان می‌دهد: کشورهایی که نمره آنها (بر اساس نمره آزمون F) زیر نمره میانگین ثبات سیاسی است، جزء کشورهای فاسد و بسیار فاسد محسوب می‌شوند (به جز اسرائیل و اسپانیا که در دسته کشورهای عاری از فساد محسوب می‌شوند) و میانگین ثبات سیاسی آنها به‌طور معنی‌داری متفاوت از کشورهای عاری از فساد و حتی کشورهایی است که فساد متوسطی دارند. ۸۰ کشور در دنیا در چنین وضعیتی هستند. به‌طور قطع وضعیت فساد کشورها، جدای از مقامات اداری و دولتی آنها نیست.

جدول ۶. نتایج مدل رگرسیون چند متغیره عوامل سیاسی برای تبیین فقدان فساد

متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد			T	سطح معنی‌داری	همبستگی			همخطی
	Beta	Std. Error	B			Part	Partial	Zero-order	
مقدار ثابت		۱/۴۹۲	۴۰/۴۴۲	۲۷/۱۰۶	۰/۰۰۰				
تداوم دموکراسی بی‌وقفه	۰/۲۰۲	۰/۰۶۲	۰/۲۱۷	۳/۵۰۶	۰/۰۰۱	۰/۴۰۹	۰/۲۶۶	۰/۱۹۰	۰/۸۹۲
ثبات سیاسی و عدم خشونت	۰/۶۳۱	۱/۳۷۱	۱۵/۰۳۰	۱۰/۹۶۶	۰/۰۰۰	۰/۶۹۷	۰/۶۵۳	۰/۵۹۶	۰/۸۹۲

1. Authoritarian regimes

۲. این کشورها عبارتند از: افغانستان، کوموروس، سودان جنوبی، کامبوج، جمهوری قرقیز، تاجیکستان، ازبکستان، برونیدی، جمهوری دموکراتیک کنگو، چاد، گینه، هایتی، عراق، میانمار، سوریه، سومالی، یمن، ونزوئلا، زیمبابوه، آفریقای مرکزی، اریتره، بوسنی و هرزگوین، گویانا، لبنان، جمهوری کنگو، لیبی، موریتانیا، نیجر، پاپوآنیوگینه، عربستان، سیرالئون، توگو، آلبانی، الجزایر، آنگولا، آذربایجان، بنگلادش، بولیوی، کامرون، چین، اکوادور، مصر، استونیا، گواتمالا، هندوراس، اندونزی، ایران، جامائیکا، کنیا، ماداگاسکار، مالی، مکزیک، مولداوی، موروکو، نپال، نیکاراگوئه، نیجریه، پاکستان، پاراگوئه، فیلیپین، روسیه، سنگال، سودان، تایلند، اوگاندا، کوزوو، گرجستان، مقدونیه، رواندا، بحرین، کلمبیا، هند، اردن، پرو، صربستان، سریلانکا، ترکیه، اسرائیل و اسپانیا و گینه بیسائو.

مدل رگرسیون عوامل اقتصادی نشان می‌دهد: کشورهای بسیار فاسد با یک واحد افزایش آزادسازی اقتصادی، به احتمال $3/996$ می‌توانند رتبه پاکی خود را به کشورهای تا اندازه‌ای فاسد، به احتمال $5/609$ به کشورهای پاک و با احتمال $3/181$ به کشورهای بسیار پاک بهبود دهند. بنابراین بهبود شاخص آزادسازی اقتصادی بیشترین تأثیر را بر انتقال کشورهای بسیار فاسد به کشورهای تا اندازه‌ای فاسد دارد. بنابراین، این یافته، یافته ترسیم‌مان را رد می‌کند. مطابق با تحقیق ترسیم‌مان (۲۰۰۰) اندازه اثر آزادسازی تجاری خیلی کوچک است. این یافته در واقع پاسخی به ابهام لیو نیز هست. وی معتقد است: قابلیت آزادسازی اقتصادی برای کاهش فساد بدیهی نیست (Live, 2004). همچنین در پژوهش لدرمن با لحاظ کردن متغیر کنترل سیاسی (متغیر سیاسی وی دموکراسی، آزادی مطبوعات، دموکراسی پایدار و سیستم ریاست جمهوری بوده است)، اقتصاد باز اثر معنی‌داری بر فساد ندارد، اما بدون متغیرهای سیاسی، اقتصاد باز اثر منفی و معنی‌داری در مبارزه با فساد نشان می‌دهد (Lederman, 2004). چنانچه نتایج این تحقیق نیز نشان داد، در رگرسیون چندگانه نهایی که آزادسازی اقتصادی در کنار سایر عوامل سیاسی، فرایندی و مذهبی وارد مدل شده بود، اثر معنی‌دار خود را بر فقدان فساد از دست داد.

همچنین ضرایب رگرسیون چند متغیره عوامل اقتصادی نشان می‌دهد: با ۱ واحد افزایش در میزان تورم، بخت آنکه کشورهای بسیار فاسد به کشورهای بسیار پاک انتقال یابند $0/255$ ، انتقال کشورهای بسیار فاسد به پاک $0/437$ و $0/620$ احتمال انتقال این دسته از کشورها به کشورهای تا اندازه‌ای فاسد کاسته می‌شود. این یافته در تأیید یافته برون و تلا است. آنها نشان می‌دهند که تغییرپذیری نرخ تورم می‌تواند به فساد بالاتر و سرمایه‌گذاری کمتر منجر شود. آنها رابطه مثبتی بین فساد و نرخ تغییرپذیری تورم در نمونه‌ای از ۷۵ کشور یافتند.

جدول ۷. برآورد پارامترهای جدول لجستیک عوامل اقتصادی برای تبیین فقدان فساد

فاصله اطمینان ۹۵٪ for Exp (B)		Exp (B)	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره Wald	Std. Error	B ضریب	خوشه‌بندی فساد در کشورهای مورد بررسی	
کران بالا	کران پایین							عرض از مبدأ	آزادسازی اقتصادی
			۰/۵۲۳	۱	۰/۴۰۲	۹/۹۸۵	-۶/۳۳۴	عرض از مبدأ	طبقه ۴ (فاسد)
۸۷/۹۸۲	-۰/۳۰۴	E0۵/۱۷۶	-۰/۲۵۵	۱	E0۱/۲۹۳	۱/۴۴۶	۱/۶۴۴	آزادسازی اقتصادی	
۱/۲۸۲	-۰/۹۵۲	E0۱/۱۰۵	-۰/۱۹۰	۱	E0۱/۷۱۸	-۰/۰۷۶	-۰/۱۰۰	صادرات	
۱/۰۷۸	-۰/۸۲۲	-۰/۹۴۱	-۰/۳۸۳	۱	۰/۷۶۰	-۰/۰۶۹	-۰/۰۶۰	واردات	
۱	۱	E0۱	-۰/۸۶۸	۱	۰/۰۲۸	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	تولیدناخالص داخلی	
۱/۲۱۵	-۰/۵۹۸	-۰/۸۵۳	-۰/۳۷۷	۱	۰/۷۸۱	-۰/۱۸۱	-۰/۱۶۰	تورم	
			-۰/۰۹۶	۱	E0۲/۷۶۳	E1۱/۰۶۲	-۱۷/۶۴۶	عرض از مبدأ	طبقه ۳ (تا اندازه‌های فاسد)
E2۸/۶۸۳	۱/۸۳۹	E1۳/۹۹۶	-۰/۰۱۹	۱	E0۵/۵۱۳	۱/۵۷۱	۳/۶۸۸	آزادسازی اقتصادی	
۱/۳۱۱	-۰/۹۶۴	E0۱/۱۲۴	-۰/۱۲۵	۱	E0۲/۲۳۴	-۰/۰۷۸	-۰/۱۱۷	صادرات	
۱/۰۵۴	-۰/۷۹۱	-۰/۹۱۳	-۰/۲۱۲	۱	E0۱/۵۵۷	-۰/۰۷۳	-۰/۰۹۱	واردات	
۱	۱	E0۱	-۰/۸۸۸	۱	۰/۰۳۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	تولیدناخالص داخلی	
-۰/۹۵۱	-۰/۴۰۵	-۰/۶۲۰	-۰/۰۲۸	۱	E0۴/۸۰۹	-۰/۲۱۸	-۰/۴۷۸	تورم	
			-۰/۰۰۹	۱	E0۶/۸۱۶	E1۱/۳۲۱	-۳۴/۴۷۶	عرض از مبدأ	طبقه ۲ (پاک)
E4۲/۴۶۳	E1۱/۲۷۷	E2۵/۶۰۹	-۰/۰۰۱	۱	E1۱/۰۷۶	۱/۹۳۰	۶/۳۳۰	آزادسازی اقتصادی	
۱/۳۲۸	-۰/۹۵۹	E0۱/۱۲۹	-۰/۱۴۴	۱	E0۲/۱۳۱	-۰/۰۸۳	-۰/۱۲۱	صادرات	
۱/۰۴۶	-۰/۷۶۱	-۰/۸۹۲	-۰/۱۶۰	۱	E0۱/۹۷۳	-۰/۰۸۱	-۰/۱۱۴	واردات	
۱	۱	E0۱	-۰/۸۵۱	۱	۰/۰۳۵	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	تولیدناخالص داخلی	
-۰/۷۸۰	-۰/۲۴۵	-۰/۴۷۳	-۰/۰۰۵	۱	E0۷/۸۵۰	-۰/۲۹۶	-۰/۸۲۹	تورم	
			-۰/۰۰۰	۱	E1۱/۲۵۳	E1۱/۷۳۷	-۶۱/۴۹۳	عرض از مبدأ	طبقه ۱ (بسیار پاک)
E6۳/۹۳۴	E2۲/۵۷۸	E4۳/۱۸۱	-۰/۰۰۰	۱	E1۱/۷۸۱	۲/۴۵۷	۳۶۷/۱۰	آزادسازی اقتصادی	
۱/۴۶۹	۱/۰۲۶	E0۱/۲۲۸	-۰/۰۲۵	۱	E0۵/۰۰۸	-۰/۰۹۲	-۰/۲۰۵	صادرات	
-۰/۹۶۶	-۰/۶۶۸	-۰/۸۰۳	-۰/۰۲۰	۱	E0۵/۴۴۳	-۰/۰۹۴	-۰/۲۱۹	واردات	
۱	۱	E0۱	-۰/۹۴۹	۱	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	تولیدناخالص داخلی	
-۰/۶۲۴	-۰/۱۰۴	-۰/۲۵۵	-۰/۰۰۳	۱	E0۸/۹۵۹	-۰/۴۵۷	-۱/۳۶۷	تورم	

گروه مرجع: طبقه ۵ (کشورهای بسیار پاک)

تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب ۳۵

افزایش میزان واردات نیز بر بخت انتقال کشورها از کشورهای بسیار فاسد به بسیار پاک مؤثر است. با ۱ واحد افزایش واردات، بخت آنکه کشوری بسیار پاک باشد، $0/803$ برابر زمانی که همان کشور بسیار فاسد باشد، کاهش می‌یابد. این مطلب در رد یافته تریسمن است. وی نشان داده است که واردات بیشتر منجر به فساد کمتری می‌شود (Treisman, 2000). اما به عقیده لرن و تورز، فساد بیشتر منجر به واردات کمتر می‌شود و واردات به خودی خود باعث کاهش فساد نمی‌شود (Larrain & Tavares, 2004).

با افزایش میزان صادرات تنها احتمال انتقال کشورها از کشورهای بسیار فاسد به کشورهای بسیار پاک افزایش می‌یابد. مطابق با یافته تحقیق ما، با ۱ واحد افزایش صادرات، بخت آنکه کشوری بسیار پاک باشد، $1/288$ برابر زمانی است که همان کشور بسیار فاسد باشد. تحقیق پلگرینی و جرلاگ بیانگر آن است که تغییر ۲۵ درصدی در ارزش منابع طبیعی کالاهای صادراتی (با یک انحراف استاندارد تغییر) با $0/20$ تغییر در شاخص ادراک فساد مرتبط است (Pellegrini & Gerlagh, 2008).

رگرسیون چند متغیره مدل نهایی نشان می‌دهد: متغیر حکمرانی خوب (پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات تنظیمی و کارایی حکومت) ۹۱ درصد، دموکراسی پایدار ۱۲ درصد، درصد جمعیت مسلمان $0/09$ درصد و تولید ناخالص داخلی نیز $0/07$ درصد قدرت تبیین متغیر وابسته تحقیق را دارند. سایر متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیون چند گانه نهایی، تأثیر معنی داری بر فقدان فساد نداشتند. این ۴ شاخص در مجموع قدرت تبیین ۸۹ درصد از تغییرات فساد را دارند.

جدول ۸. نتایج مدل رگرسیون چند متغیره نهایی برای تبیین فقدان فساد

مدل	متغیرهای مستقل	ضرایب غیر استاندارد		T	مهمی داری	همبستگی				همخطی
		B	Std. Error			Part	Partial	Zero-order	VIF	
۴	مقدار ثابت	۳۶/۵۷۰	۱/۰۶۲	۳۴/۴۳۵	-/۰۰۰					
	حکمرانی خوب	۲۲/۲۳۳	۰/۸۹۱	۲۴/۹۵۵	-/۰۰۰					
	دموکراسی پایدار (۱۹۹۵-۱۹۳۰)	-/۱۲۰	۰/۰۳۵	۳/۴۲۴	-/۰۰۱					
	مذهب (مسلمان)	-/۰۶۴	-/۰۲۴	۲/۶۹۹	-/۰۰۸					
	تولید ناخالص داخلی	۱/۰۱۹	۰/۰۰۰	۲/۲۴۹	-/۰۲۷					

پنج شاخص ثبات سیاسی، کارایی حکومت، کیفیت مقررات تنظیمی، حاکمیت قانون و پاسخگویی تحت عنوان حکمرانی خوب (کیفیت حکومت) قادرند ۹۱ درصد از تغییرات

فساد را تبیین کنند. بنابراین مهم‌ترین تفاوت کشورهای فاسد و غیرفاسد در فقدان این شاخص است. همچنین در جوامعی که درصد جمعیت مذهبی بیشتر است، میزان فساد کمتر است. از سوی دیگر در کشورهای فاسد، میزان تورم بالاتر است. همچنین، واردات بیشتر احتمالاً منجر به فساد بیشتر می‌شود، اما با افزایش میزان صادرات احتمال فساد کاهش می‌یابد.

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مدل رگرسیون جداگانه عوامل چهارگانه مؤثر بر فساد در این تحقیق، سه متغیر حاکمیت قانون، پاسخگویی - شفافیت به عنوان متغیر فرایندی، ۸۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (فقدان فساد) را تبیین می‌کنند. ۵ متغیر صادرات و واردات، تورم، تولید ناخالص داخلی و آزادسازی اقتصادی به عنوان متغیر اقتصادی، از ۴۳/۸ درصد تا ۷۴/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته (فقدان فساد) را تبیین می‌کنند. دو متغیر تداوم دموکراسی بی‌وقفه و ثبات سیاسی و عدم خشونت به عنوان عوامل سیاسی تأثیرگذار بر فساد ۵۱ درصد از تغییرات فقدان فساد را تبیین می‌کنند. متغیر عوامل فرهنگی (مذهب) ۲۱ درصد از تغییرات فقدان فساد را تبیین می‌کند. بنا بر ضریب تعیین مدل‌های چهارگانه تحقیق، متغیرهای عوامل فرایندی، در تبیین فساد مهمتر از سه عامل دیگر هستند و عوامل فرهنگی (مذهبی مسلمان و پروتستان) کمترین ضریب بتا را در بین این عوامل به خود اختصاص داده‌اند.

رگرسیون جداگانه مدل‌های چهارگانه تحقیق نشان می‌دهد: ضریب تعیین متغیر عوامل فرایندی (پاسخگویی - شفافیت و حاکمیت قانون)، در تبیین فقدان فساد بالاتر از سه عامل دیگر است و عوامل فرهنگی (مذهب مسلمان و پروتستان) کمترین ضریب بتا را در بین این عوامل به خود اختصاص داده است. از بین دو متغیر سیاسی تحقیق، ثبات سیاسی و عدم خشونت تأثیر بیشتری در کاهش فساد نسبت به تداوم دموکراسی بی‌وقفه دارد. در بین متغیرهای اقتصادی نیز متغیر آزادسازی اقتصادی و تورم در انتقال کشورهای بسیار فاسد به کشورهای فاسد، پاک و بسیار پاک نقش مهمی دارند. اما متغیر واردات و صادرات در بخت انتقال کشورهای بسیار فاسد به بسیار پاک مؤثرند و متغیر تولید ناخالص داخلی در دسته عوامل اقتصادی به عنوان متغیر تأثیرگذار بر فساد شناخته نشده است. در رگرسیون نهایی عوامل مؤثر بر فساد، تولید ناخالص داخلی در کنار متغیر مذهب، دموکراسی پایدار و حکمرانی خوب به عنوان عامل مؤثر بر فساد شناخته شده است.

در مجموع، مطابق با رگرسیون نهایی عوامل مؤثر بر فساد، عوامل سیاسی و بعد از آن، عوامل فرایندی در افزایش رتبه پاکی کشورها مهم‌تر از عوامل اقتصادی و مذهب است؛ چنانکه هر دو متغیر سیاسی در مدل نهایی باقی مانده‌اند. در دسته عوامل مذهبی تنها مذهب اسلام در مدل باقی مانده و در دسته عوامل اقتصادی نیز از بین ۵ متغیر اقتصادی مدل، متغیر تولید ناخالص داخلی در مدل نهایی باقی مانده است. پاسخگویی و حاکمیت قانون نیز که به‌عنوان دو متغیر از ۵ متغیر حکمرانی خوب و در دسته عوامل فرایندی مورد آزمون قرار گرفتند، به‌عنوان عوامل مؤثر بر فساد شناخته شدند، اما در دسته عوامل فرایندی در رگرسیون نهایی، متغیر فقدان آزادی مطبوعات باقی نمانده است. بنابراین، عوامل اقتصادی متأثر از عملکرد دولت در مقابل ویژگی‌های دولت از اهمیت کمتری برخوردار است. به عبارت دیگر، فساد بیشتر از آنکه تحت تأثیر عملکرد دولت باشد، از عواملی که به‌طور مستقیم از دولت ناشی می‌شود بیشتر تأثیر می‌پذیرد.

Archive of SID

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اکرم، سوزان رز (۱۳۸۵). فساد و دولت علت‌ها، پیامدها و اصلاح، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: پردیس دانش.
- ریگین، چارلز (۱۳۸۷). روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر آگه.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۵). نقدی بر شاخص‌های سنجش فساد. شاخص ادراک فساد (CPI)، دفتر مطالعات اقتصادی.

ب) منابع لاتین

- Alesina Alberto and Angeletos George-Marios (2005). "Corruption, inequality And fairness", NBER Working Paper, No. 11399.
- Bauhr, Monika & Henrik Oscarsson (2011). Public Perceptions of Corruption. The Prevalence and Moral Rejection of Corruption in Sweden.
- Braun, Miguel & Rafael Di Tella (2004). "Inflation, Inflation Variability, and Corruption". Economics & Politics 0954-1985, Volume 16 March No. 1.
- Cloete, Prof. Fanie (2005). "Measuring Good Governance in South Africa", School of Public Management & Planning, University of Stellenbosch.
- Gerring, John and Thacker Strom C. (2004). "Political Institutions and Corruption: The Role of Unitarism and Parliamentarism". B. J. Pol. S. 34: 295-330.
- Go, Kotera, Keisuke, Okada and Sovannroeun, Samreth. (2010). "A Study on the Relationship Between Corruption and Government Size: the Role of Democracy". Munich Personal RePEc Archive .
- Holmberg, Soren, Rothstein, Bo and Nasiritousi, Naghmeh (2009). Quality of Government: What You Get, Annu. Rev. Polit. Sci .
- <http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/NEWS/0,contentMDK:20119698~menuPK:34457~pagePK:34370~piPK:34424~theSitePK:4607,00.html>
- <http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.asp>.
- IMF(2005). "The IMF's Approach to Promoting Good Governance and Combating Corruption: A Guide". Available at: www.imf.org/external/np/gov/guide/eng/index.
- Kargbo, H. Abubakar (2006). Corruption: Definition and Concept Manifestations and Typology in the Africa Context.
- Kaufmann, Daniel, Kraay Aart and Mastruzzi Massimo (2004). Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004, The World Bank.
- Larraín, B. Felipe and Tavares José (2004). "Does Foreign Direct Investment Decrease Corruption?" versión On-line.
- Lederman, Daniel (2004). "Accountability and Corruption: Political Institutions Matter",

- World Bank .
- Lindstedt Catharina & Naurin Daniel (2011). “Transparency Against Corruption”, Department of Political Science Goteborg University .
- Live, Mari-Liis (2004). The Causes of Administrative Corruption. Hypotheses for Central and Eastern Europe.
- Montinola Gabriella R. & Jackman Robert W. (2002). “Sources of Corruption: A Cross-Country Study”, B. J. Pol. S. 32: 147–170.
- Morris, Stephen and Klesner Joseph (2010). “Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence From Mexico”, *Comparative Political Studies*, 43 (10): 1258–1285.
- Nur-tegin, Kanybek and Czap Hans J. (2012). “Corruption: Democracy, Autocracy, and Political Stability”, *Economic Analysis & Policy*, Vol. 42 No. 1.
- Olson, Mancur (1982). *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities*. Yale University Press.
- Pellegrini, Lorenzo & Gerlagh Reyer (2008). “Causes of Corruption: A Survey of Cross-country Analyses and Extended Results”, *Econ Gov.* 9: 245–263.
- Rothstein Bo and Teorell Jan (2008). “What Is Quality of Government? A Theory of Impartial Government Institutions”, *An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, Vol. 21, No. 2.
- Rothstein Bo, Holmberg Soren (2006). “A Research Application to the Bank of Sweden Tercentenary Foundation”, *The Quality of Government Institute*.
- Rothstein, Bo (2011). *The Quality of Government. Corruption, Social Trust, and Inequality in International Perspective*.
- Rothstein, Bo and Jan Teorell (2012). *Defining and Measuring Quality of Government*, Cheltenham: Edward Elgar Publisher.
- Saha, Shrabani (2008). “Democracy and Corruption: An Empirical Analysis in a Cross-Country Framework”, the New Zealand Association of Economists Annual Conference.
- Samanni, Marcus and Holmberg, Soren (2010). *Quality of Government Makes People Happy*, QoG Working Paper Series.
- Stapenhurst, Rich & Johnston, Niall & Pellizo, Riccardo (2006). *The Role of Parliament in Curbing Corruption*, WBI Development Studies.
- Transparency international (2011): <http://www.transparency.org/cpi2011/results>.
- Treisman, Daniel (2000). “The Causes of Corruption: A Cross-national Study”. *Journal of Public Economics*, 76: 399–457
- UNITED NATIONS (2007). “Good Governance Practices for the Protection of Human Rights”.
- UNITED NATIONS Office on Drugs and Crime (2004). “Anti-Corruption Toolkit”. 3rd edition .
- Warren, Mark E. (2005). “Democracy Against Corruption”, *Quality of Government Institute, Conference on the Quality of Government*.

Woods ngaire. (2002) “The challenge of good governance for the IMF and the Word bank Themselves”. world Development, vol. 28, No. 5 .

Woods, Ngaire (2000). “The Challenge of Good Governance for the IMF and the World Bank Themselves”, Word development, Vol. 28, No. 5.

Archive of SID